

سوره «انبیاء» (۲۱)

موضوع اصلی سوره انبیاء همچون بسیاری از سوره‌های مکی، تبیین مسائلی پیرامون مثلث: «توحید، نبوت و آخرت» می‌باشد. با این تفاوت که در اینجا نبوت محور بحث قرار گرفته و توحید و آخرت به عنوان زیربنا و هدف آن مطرح گشته‌اند. در نیمه اول سوره به کلیاتی از موارد فوق اشاره می‌کند و برخورد منکرین و مکذبین را با موضوع نبوت در دوران پیامبر خاتم (ص) نشان می‌دهد و در نیمه دوم، جریان برخورد انسان‌ها با «توحید و آخرت» را در دوران انبیاء گذشته نقل نموده و نشان می‌دهد بنی آدم همواره با شیوه‌های مشابهی در برابر پیام‌آوران الهی موضع مخالفت گرفته و این جریان نهایتاً به «اجابت» دعای رسولان و «نجات» آنها و پیروانشان و «هلاکت» «ظالمین» منتهی گشته است.

این سوره با اشاره به غفلت و اعراض «انسان» نسبت به قیامت، که ناشی از عدم اعتقادش به مسئولیت و حساب و کتاب می‌باشد، آغاز می‌گردد و به خاطر چنین بینشی «نبوت و کتاب» را، که لازمه هدایت و مسئولیت انسان می‌باشد تکذیب می‌نماید. سرانجام این ناباوری، رویگردانی از پیام‌های بیدارکننده الهی (ذکر - کتاب) و مشغول شدن به اهداف و برنامه‌های پوچ دنیائی (هم یلعبون) و دل بستن به هوی و هوس (لاهیة قلوبهم) و آرزوهای پست دنیائی می‌باشد.

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون. مایاتیههم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون. لاهیة قلوبهم ...

در این سوره به چند موضوع بسیار مهم و اساسی در رابطه با جریان «نبوت» و تکذیب مستمر نسل‌های مختلف تاریخ عنایت شده است که به عنوان مسائل کلیدی و زیربنائی سوره ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- خدایان متعدد (الهیة) - نوع انسان از ابتدای تاریخ پیدایش در روی زمین، هیچگاه

بیگانه و جدای از «پرستش» نبوده است، این فطرت انسان است که او را به تکیه گاهی بالاتر از خود می کشاند. اما مسئله و مشکل اساسی، انحراف از توحید به تعدد بوده است. به طوری که به جای خداوند یکتا که رب العالمین است، برای خود خدایان دیگری از فرشتگان و جن، مظاهر طبیعت، قدیسیں، سلاطین و ... تصور کرده و در عوض «الله» واحد که او را «رب الارباب» و غیرقابل درک و دسترسی می شناخته، به واسطه و شفیعیانی برای تقرّب متوسل شده و آنها را عبادت کرده است.

در این سوره از آنجائی که به جریان تاریخی نبوت و عکس العمل نوع انسان مربوط می شود، بیش از سایر سوره های قرآن از «الله» یاد می شود. به طوریکه جمعاً ۱۴ بار (در سیزده آیه = ۱۲٪ سوره) این کلمه تکرار شده است^۱:

- | | |
|--|-----------------|
| آیه ۲۱- ام اتخذوا الهة من الارض هم ينشرون | } $\frac{3}{1}$ |
| » ۲۲- لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا ... | |
| » ۲۴- ام اتخذوا من دونه الهة ... | |
| » ۲۵- ... انه لا اله الا انا فاعبدون | |
| » ۲۹- و من يقل منهم انى اله من دونه ... | |
| » ۳۶- ... اهذا الذى يذكر الهتكُم و هم بذكر الرحمن هم كفرون | } $\frac{3}{2}$ |
| » ۴۳- ام لهم الهة تمنعهم من دوننا ... | |
| » ۵۹- قالوا من فعل هذا بالهتنا انه لمن الظالمين | |
| » ۶۲- قالوا انت فعلت هذا بالهتنا يا ابراهيم | } $\frac{3}{3}$ |
| » ۶۸- قالوا حرّقه و انصروا الهتكُم ان كنتم فاعلين | |
| » ۸۷- ... لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين (كلام ذا النون) | |
| » ۹۹- لو كان هؤلاء الهة ماوردوها و كل فيها خالدون (كلام الهی در قیامت) | |
| » ۱۰۸- قل انما يوحى الى انما الهكُم الله واحد فهل انتم مسلمون | |
| (نتیجه سوره در رابطه با امت خاتم النبیین (ص)) | |

۱. شاید اتفاقی نباشد که در این سوره در برابر ۱۴ بار تکرار نام «اله» ۱۴ بار نام رب (در ترکیب با ضمائر) و ۱۴ بار نام های خدا آمده است (۶ بار الله - ۴ بار رحمن و یک بار از هر کدام از اسماء: سمیع، علیم، مستعان و ارحم الراحمین).

۲- عبادت - موضوع «عبادت» نیز در رابطه با «اله» و «الله» از کلمات کلیدی این سوره می باشد که ۱۲ بار تکرار شده است و پس از سوره صفات بالاترین نسبت را در قرآن دارد. در این سوره از عبادت فرشتگان و پیامبران یاد می کند و انحراف «عبادت» را به عنوان نمونه در قوم معاصر حضرت ابراهیم نشان می دهد، مهمترین مشخصه انبیاء «عبادت» خدا بوده است و بندگان صالح نیز در نهایت میراث بر زمین خواهند بود. این ابلاغی است که در آخرین آیه مربوطه به آن تصریح شده است.

آیه ۱۹- و له من فی السموات و الارض و من عنده لا یستکبرون عن عبادته ...

» ۲۵- و ما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون،

» ۲۶- و قالوا اتخذ الرحمن ولداً بل عباد مكرمون

» ۵۳- قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين

» ۶۶- قال افتعبدون من دون الله ...

» ۶۷- اف لكم ولما تعبدون من دون الله ...

» ۷۳- وجعلناهم ائمة ... و كانوا لنا عابدين

» ۸۴- ... رحمة من عندنا و ذكری للعابدين

» ۹۲- ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون

» ۹۸- انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم (در قیامت)

» ۱۰۵- ... ان الارض یرثها عبادى الصالحون.

» ۱۰۶- ان فی هذا البلاء لقوم عابدين

۳- ذکر - همانطور که گفته شد، بشر فطره پرستنده و حق طلب می باشد و در نهاد او چنین نیازی نهاده شده است. اما به دلیل غفلت و اشتغالات دنیائی، به نسیان و فراموشی دچار می شود، اصولاً معنای «ذکر» از نظر لغوی درست متضاد با «نسیان» می باشد. بنابراین ضروری است انسان دائماً به فطرت نخستینش یادآوری گردد و پرده های غفلت، که در نتیجه لهر و لعب زندگی فطرت او را پوشانده و به نسیان دچارش می سازد، کنار زده شود. این همان موضوع نبوت و وحی الهی می باشد که از طریق رسولان و کتاب های الهی برای هدایت بشر و بازگرداندنش به فطرت تعیین گردیده است.

از آنجائی که این سوره به سلسله انبیاء الهی و عملکرد نوع انسان در طول تاریخ مربوط

می شود، مسئله «ذکر» که همان مفهوم بیداری و هشیاری و آگاهی دارد، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در اینجا عمدتاً کتاب های الهی که از طریق وحی به رسولان نازل شده «ذکر» نامیده شده و نقش آگاهی بخش و اندازدهنده یافته است (آیات ۲، ۱۰، ۲۴، ۴۸، ۵۰، ۱۰۵). همچنین اهل کتاب، اهل الذکر نامیده شده اند (آیه ۷).

به طور کلی در این سوره ۱۳ بار کلمه ذکر (در ۱۱ آیه) به شرح ذیل آمده است که پس از سوره بقره بالاترین مقدار را در کل قرآن دارا می باشد^۱ (به همراه سوره اعراف).

آیه ۲- مایاتیم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون

» ۷- و ما ارسلنا من قبلک الا رجلاً نوحی الیهم فاستلوا اهل الذکر...

» ۱۰- لقد انزلنا الیکم کتاباً فیه ذکرکم افلاتعقلون

» ۲۴- ... هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی ...

» ۳۶- ... اهذا الذی یذکر الیهکم و هم یذکر الرحمن هم کافرون

» ۴۲- ... بل هم عن ذکر ربهم معرضون

» ۴۸- و لقد اتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکرًا للمتقین

» ۵۰- و هذا ذکر مبارک انزلناه افانتم له منکرون.

» ۶۰- قالوا سمعنا ففی یذکرهم یقال له ابراهیم.

» ۸۴- ... رحمة من عندنا و ذکری للعابدين.

» ۱۰۵- و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون.

۴- اعراض - همانطور که گفته شد، «اعراض» (کناره گیری و بی توجهی) انسان نسبت به «ذکر»، که همان کتب الهی و پیام رسولان می باشد، موجب غفلت او از حقایق توحید و نبوت، و پرستش خدایان متعدد گشته است. همانطور که لازمه ذکرپذیری «تقوی» می باشد (ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین)، لازمه اعراض، دنیاطلبی و اشتغال به لهو و لعب است که نهایتاً به «ظلم» و تجاوز به حقوق دیگران کشیده می شود.

در این سوره از همان آغاز (در نخستین آیه) از غفلت توأم با اعراض انسان یاد می کند. در این آیه از اعراض انسان نسبت به موضوع حساب و کتاب (در روز قیامت) و در آیات بعدی به ترتیب از اعراض او نسبت به: حق (کتاب های الهی)، آیات تکوینی در طبیعت (به خصوص طبقات جو) و ذکر پروردگار رحمن (انکار ربوبیت و رحمت)

۱. با توجه به حجم این سوره که حدود $\frac{1}{8}$ سوره بقره می باشد، به طور نسبی توجه آن به موضوع «ذکر» به مراتب بیشتر می باشد.

آیه (۱) - اقترَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مَعْرُضُونَ (اعراض نسبت به معاد)
 « (۲۴) - ... هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعَى وَ ذِكْرٌ مِنْ قَبْلَى بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهَمَّ
 مَعْرُضُونَ (اعراض نسبت به توحید).

« (۳۲) - وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مَعْرُضُونَ (اعراض نسبت
 به آیات طبیعی)

« (۴۲) - قُلْ مَنْ يَكْلُؤْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ
 مَعْرُضُونَ (اعراض نسبت به ربوبیت و رحمت)

کلمه «معرضون» در این سوره بیش از سایر سوره‌های قرآن به کار رفته و این فعل که
 دوام و ثبات اعراض را نشان می‌دهد، حکایت از روگردانی همه جانبه کافران نسبت به همه
 حقایق عالم می‌نماید.

۵- ظلم - نتیجه طبیعی و مستقیم اعراض از حقایق و نسیان ذکر الهی، «ظلم» و تعدی
 نسبت به دیگران می‌باشد. انسان اگر معتقد به معاد و حساب و کتاب روز جزا نباشد، بنا
 به غریزه زیاده‌طلبی و حرص و طمعش، به تجاوز و ظلم کشیده می‌شود. این حقیقتی است
 که تاریخ بشری گواه آنست. به این ترتیب آشکار می‌گردد که لازمه سلامت روابط در
 اجتماعات انسانی، اعتقاد به حساب و کتاب یوم‌الدین می‌باشد. مشرکین نه تنها اعمال خود
 را ظلم نمی‌شمردند، بلکه ابراهیم بت شکرا که متعرض خدایان آنها شده بود ظالم
 می‌شمردند. اگرچه این گمراهان در زندگی دنیا متوجه ظلم خود نگشتند، اما در روز آخرت
 اعتراف توأم با ویل و وای نسبت به آن خواهند کرد (باویلنا انا کنا ظالمین).

آیه ۱۴ - قَالُوا يَا وَيْلَنَا اَنَا كُنَّا ظَالِمِينَ

« ۲۹ - ... فَذَلِكْ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

« ۴۶ - ... لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا اَنَا كُنَّا ظَالِمِينَ

« ۵۹ - قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا اِنَّهُمْ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

« ۸۷ - ... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

« ۹۷ - ... يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ

نیمی از آیات فوق به اعتراف ظالمین در روز قیامت به ظلم خود اختصاص دارد. این
 ظلم همانا اتخاذ الهه (به جای توحید) و انکار آخرت می‌باشد. نکته مهم اینکه این ظلم
 منحصرأ از ناحیه منکرین نمی‌باشد، بلکه پیامبری همچون ذالنون (یونس) بی صبری خود
 را در برابر انکار قومش ظلم می‌شمارد و استغفار می‌نماید. بنابر این هر انسانی هر چند مؤمن

و متقی، در معرض ظلم و انحراف قرار دارد.

۶- استجابت دعای رسولان - سنت خدا همواره بر این قرار گرفته که دعای رسولان و بندگان خالص خود را اجابت نماید. در این سوره بر موضوع اجابت دعا بیش از سوره های دیگر تأکید شده و مکانیسم رهائی رسولان را از گرفتاری های شخصی و اجتماعی (در برابر تکذیب قوم) نشان می دهد.

آیه ۷۶- و نوحاً اذ نادى من قبل فاستجبنا له ...

» ۸۴- و ایوب اذ نادى ربه ... فاستجبنا له ...

» ۸۸- و ذا النون ... فنادى فى الظلمات ... فاستجبنا له ...

» ۹۰- و زكريا اذ نادى ربه ... فاستجبنا له ...

چهار آیه فوق که استجابت را متعاقب ندای رسولان (نوح، ایوب، ذا النون و زکریا) قرار داده، رحمت ویژه پروردگار را نسبت به انبیاء نشان می دهد.

۷- نجات رسولان و پیروان و هلاکت مکذبین - در این سوره (پس از سوره یونس) بیش از سوره های دیگر قرآن از نجات رسولان و هلاک اقوام ظالم یاد کرده است، نجات رسولان و پیروان راستین آنها وعده صادقانه ای از جانب خداست که در اولین ردیف آیات ذیل از نجات عمومی همه رسولان، و در بقیه آیات به طور اخص از نجات ابراهیم، لوط، نوح و ذا النون (علیهم السلام) ذکرى به میان آورده است.

آیه ۹- ثم صدقناهم الوعد فنجينا هم و من نشاء و اهلكنا المسرفين

» ۷۱- و ارادوا به كيداً فجعلناهم الاخسرين. و نجينا و لوطاً ...

» ۷۴- و لوطاً ... و نجينا من القرية التى كانت تعمل الخبائث

» ۷۶- و نوحاً ... فنجينا و اهله من الكرب العظيم.

» ۸۸- و ذا النون ... و نجينا من الغم و كذلك ننجى المؤمنين.

در چهار ردیف از آیات فوق، مسئله «نجات» در رابطه با قوم مسرف و فاسق مطرح شده است. اما در آخرین ردیف که در مورد حضرت یونس می باشد، قوم این پیامبر توبه کرده و ایمان آوردند و به جای آنها خود رسول که بی صبری و عصبانیت نشان داده بود، گرفتار دریا و طعمه نهنگ می گردد. هر چند سرانجام به دلیل استغفار و تسبیح، خداوند او را نجات می دهد.

نام‌های نیکوی الهی

در این سوره ۶ بار نام جلاله «الله»، ۴ بار «رحمن» و یکبار نام‌های سمیع، علیم، مستعان و ارحم الراحمین آمده است، همچنین ۱۴ بار نام «رب» در ترکیب با ضمائر به کار رفته است، در این سوره نیز همانند چند سوره قبل، تعداد «الله» در مقایسه با «رب» (و حجم سوره) بسیار کم است که این امر نشان‌دهنده تأکید سوره روی موضوع ربوبیت و رحمانیت می‌باشد، همانطور که گفته شد، مشرکین منکر «الله» نبودند، بلکه امکان ارتباط انسان با خدا از طریق صلوة و دعا و ... را که با توسل به رحمانیت او صورت می‌گیرد، قبول نداشتند و به جای اینکه الله را رب خود بشناسند و به درگاه او عبادت کنند، او را «رب الارباب» دانسته بت‌ها را پرستش می‌کردند.

لحن انتهائی آیات

سوره انبیاء از ۱۱۲ آیه تشکیل شده است که به استثنای ۵ آیه، بقیه با حرف «ن» ختم می‌شوند. آیات استثناء که با حرف «م» تمام می‌شوند عبارتند از:

آیه ۴ (سمیع علیم) - آیات ۶۰-۶۲-۶۹ (ابراهیم) - آیه ۷۶ (کرب العظیم)

استثناهای فوق به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت کلیدی کلمات به کار رفته باشد. در مورد صفت «سمیع علیم» که در آیه ۴ (قال ربی یعلم القول فی السماء و الارض و هو السميع العلیم) آمده است، از یک طرف علم و آگاهی خدا را نسبت به تکذیب و تمسخر مکذبین می‌رساند و از طرف دیگر نسبت به دعا و نداء رسولان، در مورد اول منکرین را به هلاکت می‌رساند و در مورد دوم دعای آنها را اجابت کرده نجاتشان می‌دهد. سه آیه‌ائی که با نام حضرت ابراهیم ختم می‌شوند، تأکید این سوره را روی مبارزه آن حضرت با شرک و بت پرستی نشان می‌دهد، می‌دانیم از ۴۶ آیه‌ای که در مورد مجموع ۱۷ پیامبر آمده، درست نصف آن به حضرت ابراهیم اختصاص یافته و این تجربه مهم را به زیبایی نشان می‌دهد. بالاخره آیه ۷۶ (کرب العظیم) اشاره به طوفان نوح و غرق شدن قوم کافر می‌نماید که اهمیت تاریخی این واقعه عظیم را مشخصاً نشان می‌دهد.

تقسیمات سوره

اگر خواسته باشیم سوره را به تناسب موضوعاتی که در آن مطرح گردیده، به بخش‌های مستقلی تفکیک نمائیم به نتایج ذیل می‌رسیم:

۱- مقدمه

- ۱-۱- آیات ۱ و ۲- بیان غفلت و اعراض انسان از مسئولیت.
- ۱-۲- « ۱۵۴-۳ »- تکذیب نبوت حضرت خاتم النبیین (ص)، عبرت گیری از تاریخ.
- ۱-۳- « ۲۰-۱۶ »- بازیچه نبودن آفرینش آسمان ها و زمین و درگیری حق و باطل.
- ۱-۴- « ۲۹-۲۱ »- انحراف از توحید، اتخاذ الهه.
- ۱-۵- « ۳۳-۳۰ »- آیات تکوینی در طبیعت.
- ۱-۶- « ۴۷-۳۴ »- پایان زندگی، معاد، میزان و حساب، عذاب.

۲- داستان پیامبران

پیامبران در دو دسته ۷ و ۱۰ نفری معرفی می شوند. دسته اول رسالت اجتماعی دارند و با نظام فکری و سیاسی حاکم در می افتند^۱ و دسته دوم ظاهراً به چنین درگیری کشیده نمی شوند.

- | | | |
|--|---|------------------------|
| <p>۲-۱- آیات ۸۴ و ۴۹ - موسی و هارون (باجمال)، فرقان و ضیاء و ذکر برای متقینی که خشیت دارند و از قیامت می ترسند.</p> <p>۲-۲- « ۷۴-۵۱ » ابراهیم و لوط (به تفصیل) در رابطه با عبادت و انحراف قوم از توحید به پرستش الهه، اشاره باسحق و یعقوب و بیان این حقیقت که آنها اهل اعمال خیر، اقامه صلوٰه، ایتاء زکوة و عبادت بودند.</p> <p>۲-۳- « ۷۷، ۷۶ » - نوح - بیان اجابت دعای نوح و نجات او و پیروانش.</p> | } | نجات از گرفتاری با قوم |
| <p>۲-۴- « ۸۲-۷۸ » - داود و سلیمان - در رابطه با علم و حکمت و تسخیر باد و کوه و پرندگان.</p> <p>۲-۵- « ۸۴، ۸۳ » - ایوب - اجابت دعا و رفع گرفتاری - رحمت ویژه.</p> <p>۲-۶- « ۸۶، ۸۵ » اسمعیل، ادریس، ذالکفل - پیامبران صابر و صالحی که در رحمت خدا داخل شدند.</p> <p>۲-۷- « ۸۸، ۸۷ » - ذالنون (یونس) - اجابت دعا و نجات از غم و گرفتاری</p> <p>۲-۸- « ۹۰، ۸۹ » - زکریا و یحیی - اجابت دعا و بخشیدن فرزندان، پیامبران پیشتاز در خیرات و دعاکنندگان خاشعانه خدا از روی امید و بیم.</p> | } | نجات از مشکلات شخصی |

۱. معرفی این رسولان به ترتیب تاریخی نیست. به نظر می رسد میزان اهمیت و ارتباط آنها با سرنوشت مسلمانان ملاک تقدم و تاخر بوده است. ابتدا رسالت حضرت موسی و هارون مطرح شده، که جامع ترین تجربه برای مسلمانان تاریخ بنی اسرائیل است. آنگاه مبارزات حضرت ابراهیم با بت پرستی و سپس داستان حضرت نوح.

۹-۲ آیات ۹۱ - مریم و عیسی (اسمشان برده نشده) دو آیه برای مردم جهان.
 ۱۰-۲ » ۹۲-۹۳ - وحدت انسان‌ها و سرنوشت امت‌های رسولان (مردم امت واحدی هستند که خدا را باید عبادت کنند ولی دچار تفرقه شده کار خود را پراکنده می‌کنند)

۳- خلاصه و نتیجه سوره

- ۱-۳ آیات ۹۴ تا ۱۰۴ - نزدیک شدن وعده الهی - معاد - بهشت و جهنم
- ۲-۳ » ۱۰۵ و ۱۰۶ - پیام پیروزی نهائی بندگان صالح و ابلاغی برای مردم «عابد».
- ۳-۳ » ۱۰۷ - پیامبر رحمت
- ۴-۳ » ۱۰۸ - توحید و تسلیم
- ۵-۳ » ۱۰۹ تا ۱۱۱ - انذار و آزادی، علم خدا و آزمایش
- ۶-۳ » ۱۱۲ - حکم نهائی پروردگار

ارتباط سوره‌های انبیاء و حج (۲۲ و ۲۱)

آخرین بخش سوره انبیاء (۱۶ آیه آخر از: واقترب الوعد الحق) به طور آشکاری درباره قیامت و جهنم بیم داده شده می‌باشد. و اولین آیه سوره حج نیز تابلوی هولناک و هراس‌انگیزی از آن صحنه را برای مردم مجسم می‌نماید. صحنه‌ای که مادر فرزند شیرخوار خود را از وحشت حادثه رها می‌کند و هر حامله‌ای حمل خود را از ترس شدید سقط می‌نماید. عظمت زلزله قیامت آنچنان است که سراسیمه‌گی آدمیان و بهت و حیرتشان آنها را مست و لایعقل می‌نمایاند. درحالی‌که این نه مستی، که نشانه شدت عذاب است. به این ترتیب هشدار می‌دهد که با دو بار تکرار کلمه توعدون (آیات ۱۰۳ و ۱۰۹) در سوره انبیاء داده شده، و اشاره‌ای که در آیه ۹۷ این سوره به بازماندن چشم کافران از وحشت واقعه و فریاد و اوایلای آنها از غفلتشان گردیده است، در سوره حج شرح و بسط بیشتری داده می‌شود و مطلب تعمیم و وسیع‌تری پیدا می‌کند.